بسم الله الرحمن الرحیم

**دعای جوشن و روایت توحید و استغفار از شرک**

انگیزه سازی

دعای جوشن کبیرخیلی مهم است و مباحث زیادی حول آن وجود دارد. این دعا سراسر توحید است و گفته شده است که شب اول ماه رمضان آن را بخوانید که ثمره آن درک شب قدر است . و دستور است سه بار در ماه رمضان بخوانید و اگر کدورتی در قلب دارید از این دعا استفاده کنید.

در این دعا ما اسامی خدا را یاد می کنیم و تجلی از توحید از طریق این اسماء الهی در قلب ایجاد می شود و با این مشاهده الوهیت او و این که او همه کاره و تکیه گاه عالم است او را تنزیه می کنیم که: "تو شریکی نداری و الهی جز تو نیست". ودر فرازهای بعداین توجه پیدا می شود  که ما درگیر شرک شده ایم و به غیر خدا پناه برده ایم و این شرک برای ما جهنم بپا کرده است. لذا توبه می کنیم و «الغوث» گویان از او می خواهیم که دستمان را بگیرد که در آتش اسیر شده ایم.

متن ومحتوا

**انواع شرک از جلی و خفی/ توسل ما به غیر خدا سبب مشکلات و رنج ها**

شرک های ما دو دسته است: "مغفور و غیر مغفور". بعضی شرک ها هست که خداوند می بخشد ولی بعض شرک ها بخشیدنی نیست. آن شرک که بخشیدنی نیست و قرآن می فرماید «إِنَّ اللَّهَ لا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ ما دُونَ ذلِكَ لِمَنْ يَشاء»(نساء/48)؛ آن "شرک جلی" است که صریحا فرد در کنار خدا کسی را قرار می دهد و اعلام محدودیت علنی برای خداوند می کند.

"شرک خفی" همان است که مغفور است و بسیار هم ظریف و دقیق است. در روایت فرمود «إِنَّ الشِّرْكَ‏ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ‏»(1) یعنی «شرک از راه رفتن مورچه بروی سنگ سیاه در شب تاریک ظریف تر و تشخیص آن سخت تر است». حتی فرمود: «اگر انگشتر چرخاندن برای عدم فراموشی باشد، می تواند شرک باشد». البته ما قرار نیست با موحد شدن اسباب را رها کنیم. این جا عالم اسباب است ولی به اسباب نباید تکیه کرد که این باعث شرک می شود. این که ما بر زمین تکیه داریم و سفتی آن محل اتکاء است نباید ما را غافل کند که زمین ما را نگه داشته است؛ بلکه خداوند است که ما را نگاه داشته است. مگر همین زمین سفت نرم نشد و قارون را در خودش فرو برد؟! ما باید همه خوف و امیدمان به خدا باشد. آیا ما اینگونه ایم؟ یا این که تا پول همراهمان هست آسوده ایم ولی امان از روز نداری و اضطراب های آن.

حضرت ابراهیم(ع) هاجر و فرزندش اسماعیل(ع) را در کویر گذاشت و رفت، درحالی که آن جا هیچ خبری نبود. بیابان برهوت بود. قرآن می گوید «رَبَّنا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتي‏ بِوادٍ غَيْرِ ذي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنا لِيُقيمُوا الصَّلاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَراتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُون»(ابراهیم/37) یعنی «خدایا من اهل خودم را در این بیابان غیرقابل کشت سکنی دادم تا اقامه صلاة در اینجا شود. تو خودت دل های خوبان خودت را به سمت آنها متمایل کن -که در روایت داریم اینها شیعیان هستند- و از ثمره و محصول آماده به آن ها برسان». عجیب است! او در دل کویر ثمره ی کار دیگران را می خواهد و البته خدا می تواند. حقیقت همین است که خدا رزاق است. بله چه بسا در میان نعمت بمیرد و کسی در بیابان ثمرات حاضر و آماده دریافت کند.

در روایت آمده که مادر به دنبال آب در همان سعی هفتگانه صفا و مروه می گشت و کمک می خواست. جبرئیل آمد و سوال کرد که: کی هستی؟ گفت: هاجرم و داستان را تعریف کرد. گفت: ابراهیم وقتی می رفت شما را به چه کسی سپرد؟ گفت: همین را از خودش پرسیدم جواب داد به خدای متعال. جبرئیل گفت: به خوب کسی سپرده است. مادر نزد طفل برگشت دید چشمه از زیر پای بچه جوشیده است. دور آن را سنگ چید که آب را با جمع کردن از دست ندهد. لکن در روایت هست که اگر آن را محدود نمی کرد تا کجاها از این آب استفاده می کردند. همین آب باعث شد پرنده ها به آن سمت می آمدند و کاروانها با دیدن جهت حرکت پرندگان به دنبال آب آمدند و از هاجر(ع) اجازه خواستند که نزد ایشان بمانند و از آب بهره بگیرند. و در نهایت این شد که ثمرات خود را به نزد این مادر و طفل می آوردند و از آب بهره برمی داشتند. خدا اگر بخواهد رزق بدهد این گونه همه چیز را فراهم می کند. اوست که رزاق است.

**ترس از دست دادن شرک ها / ریشه گناه در شرک**

پس ما شرک های مختلفی داریم. ترس هایمان را بنگرید. به چه چیزی احساس فقر نداریم؟! و البته عذاب ها و رنج های ما همه برای همین شرک هاست. اگر به توحید رفتیم آنجا وادی امن است «لَا إِلَهَ‏ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي‏ فَمَنْ دَخَلَهُ أَمِنَ مِنْ عَذَابِي‏»(2). حتی ترس ما از زلزله و... از همین جا سرچشمه می گیرد. مگر سفتی زمین ما را نگه داشته بود که حالا با لرزش آن ترس ما را بر می دارد؟! معروف است که سر درس آیت الله قاضی زلزله شد و شاگردان فرار کردند. زمین آرام که شد برگشتند کلاس دیدند استاد همان طور نشسته است و می گوید: «برگردید شاگردان مکتب توحید». این ها فضای شرک های خفیّ ماست.

پس باید به انقطاع از این اسباب رسید و اُلُوهیّت خداوند را فقط دید و به آن متوسل شد. لکن جدا شدن ما از این اسباب با ترس همراه است. این که عده ای در دنیا به پوچی و خودکشی و ... می رسند به خاطر همین است که جداشدن این اسباب را می بینند و متوجه می شوند که این اسباب اگر کاره ای هم باشند مدتی کوتاهی است. لذا ترس و یاس و نا امیدی آن ها را فرا می گیرد. لکن این ها متوجه نمی شوند که با بریدن از این ها باید به خدا گره خورد. یعنی از سستی این عالم به تکیه گاه عالم رهنمون نمی شوند و به او تکیه نمی کنند. حال ما به برکت رسول الله(ص) از شرک جلیّ رها شده ایم؛ لکن شرک های خفیّ در ما کم نیست. این ها که در فضای تهدید و تحریم دشمنان اسلام می ترسند و عقب می نشینند به همین خاطر است. شرک است که فکر کنیم که آن طرف دنیا رزق ما به دست اوست و او ضامن سلامتی و امنیت ماست. مگر از این ها کاری بر ما آید؟! «وَ بِيَدِكَ لَا بِيَدِ غَيْرِكَ زِيَادَتِي‏ وَ نقْصِي‏ وَ نفْعِي وَ ضُرِّي‏»(3)

همه گناه ها ریشه در شرک دارد که قبیح هستند. قلب مشرک است وقتی دروغ می گوید. کاسب اگر دروغ می گوید به خاطر همین است که خدا را رزاق نمی بیند. باید برسیم به اینکه آب و زمین و... کاره ای نیستند. لذا باید در ابتدای هر چیزی بسم الله بگوییم تا استعانت خود از اسماء الهی و خداوند را نشان دهیم و متذکر آن باشیم وگرنه غفلت است. دست زدن به مکروهات هم در درونش شرک های خفی دارد. اگر گفتند فلان چیز مکروه است و مطلوب خدا نیست؛ چرا می خوریم؟ مگر با غیر این تامین نمی شویم؟! اگر کسی نگاه آلوده می کند فکر می کند در آن نیازش مرتفع می شود، لکن نگاه کنترل نشده ما را تامین می کند یا خدا؟

با این نگاه است که با شمردن اسامی خداوند به تسبیح می رسیم که تو شریکی نداری و کار به دست تو است. با این مشاهده تسبیح آغاز می شود و البته تسبیح هر فراز متناسب با آن اسامی مذکور است. بله ماه رمضان ماه رسیدن به توحید و جدا شدن از شرک هاست.

و اما بدانیم که شب قدر حضرت زهرا(س) است. هر شب قدر تجلی ایشان تکرار می شود و هرچقدر از این انوار استفاده کنیم به همان اندازه بهره شب قدر داشته ایم. «يَا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ يَا بِنْتَ‏ مُحَمَّدٍ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ يَا سَيِّدَتَنَا وَ مَوْلَاتَنَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّه‏».

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

(1) معاني الأخبار، النص، ص: 379

(2) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج‏2، ص: 134

(3) مناجات شعبانیه : إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ج‏2، ص: 686